

گفت و گوی ویژه

Exclusive Interview

گفت و گو با دکتر محمد باقر قالیباف*

An Interview with
Dr. Mohammad Bagher Ghalibaf

تهران در

ماراتن جهانی شدن

Tehran in
Globalization Marathon



در این اقتصاد جهانی شده که سرمایه را به هویتی بسیار هوشمند، سیال و بدون مرز بدل کرده است؛ ارتقای رقابت پذیری شهری افزون بر سیاست های تسهیل سرمایه گذاری، با مفاهیمی مانند کیفیت مکان، کیفیت زندگی شهری و زیست پذیری شهری ارتباط وسیعی یافته است. معادله روشنی وجود دارد؛ وجود کیفیت زندگی شهری بالا، با جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی بیشتر و به تبع آن توسعه اقتصادی بالاتر همراه است و از سوی دیگر سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی بالاتر، مولد کیفیت زندگی و زیست پذیری شهری بیشتر خواهد بود. امروزه یکی از دغدغه های مهم مقامات سیاسی و مدیران و اقتصاددانان شهری، شدت یافتن رقابت میان شهرها در مقیاس جهانی و ایجاد توان رقابتی در شهرها برای ایفای نقش بهتر در تقسیم کار جهانی است. بنابراین در این وضعیت سرنوشت تعداد روزافزونی از کشورها از نظر توسعه اقتصادی به توان رقابتی مراکز شهری آنها وابسته شده است که نقش و جایگاه کلان شهر تهران نیز به عنوان پایتخت و مهمترین مرکز فعالیت های سیاسی و اقتصادی کشور در توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت می باشد. از این رو فصلنامه اقتصاد شهر با هدف تجزیه و تحلیل مسایل مرتبط با مجموع مدیریت و اقتصاد شهری و ارائه راهبردهای نوین در توسعه اقتصاد شهری، طی مصاحبه ای تخصصی با آقای دکتر محمد باقر قالیباف شهردار تهران در مورد نقش و جایگاه اثرگذار کلان شهرها در عرصه های ملی و بین المللی و به ویژه تهران به گفت و گو نشست است که از منظر نظر خوانندگان عزیز می گذرد.

■ از دیدگاه حضر تعالی، شرایط لازم برای جهانی شدن یک شهر به‌طور کلی و نیز عوامل تأثیرگذار در جهانی شدن تهران چه مواردی می‌باشد؟

ابتدا باید عرض کنم که شهر تبلور فضای نقش‌های اساسی انسان است و تمام کنش‌های انسان در فضای شهری بازتاب منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت. امروزه کمتر می‌توان شهری در جغرافیای سیاسی کشورها پیدا کرد که فاقد وجهت رفتاری در مقیاس جهانی باشد. گسترش روزافزون ارتباطات به‌همراه انفجار اطلاعات در عصر جدید شهرها را کانون تبادل و تحولات جهانی قرار داده است؛ از این رو اهمیت شهرها روزبه‌روز افزایش می‌یابد. کشور ما روند شهری شدن جمعیت را به‌سرعت سپری می‌کند و هر از چندگاهی شاهد بروز یک منطقه شهری در مقیاس محلی و ناحیه‌ای هستیم. این دگرگونی شگرف، تهران را در کانون توجهات ملی و جهانی قرار داده است و شاید بتوان گفت کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پایتخت کشورمان را به‌عنوان نخستین شهر ملی وارد عرصه‌ی جدیدی کرده که نقش آن از مقیاس ملی فراتر رفته است.

جهانی شدن در واقع فرآیندی است که طی آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها منتهی می‌شود. به نظر برخی جهانی شدن، از نوع بیشتری در عرصه نظری برخوردار است و می‌تواند گستره وسیعی را در بر گیرد.

از نظر مارتین آلبرو^(۱)، «جهانی شدن، به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که بر اساس آن تمام مردم جهان از یک جامعه واحد و فراگیر جهانی، به‌هم می‌پیوندند». عده‌ای نیز می‌گویند جهانی شدن یک فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه می‌افکند، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند. بر این اساس جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشردگی فزاینده زمان و مکان که به‌واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش به‌صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه‌ی جهانی واحد ادغام می‌شوند. باید بگویم تکنولوژی، نقش بلا منازعی در این فرآیند دارد.

در خصوص جهانی شدن یک شهر براساس تعریف جان رنه شورت^(۲) می‌توان گفت؛ که حضور یک شهر در شبکه، مبنای جهانی بودن آن شهر محسوب می‌شود. به‌عبارت دیگر به مجرد این که یک کلان‌شهر وارد عرصه شبکه شود و در درون فضای جریان‌ها قرار گرفته تا نقشی جهانی به خود گیرد در حقیقت شهر جهانی به‌حساب می‌آید در نتیجه بخش وسیعی از جهان به فضای انباشت سرمایه تبدیل می‌شود. درباره تهران نیز می‌توان گفت که رویکرد، جهت‌گیری، محتوا و سیاست‌های کلی سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ نیز در محوریت رقابت فراملی و ارتقاء به رتبه اول در مقیاس منطقه‌ای تدوین شده است. برای تحقق و عملیاتی شدن این چشم‌انداز، ورود ایران به عرصه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی قابل پیش‌بینی و گریزناپذیر است. بالطبع شهر تهران به‌عنوان جزء مهم تشکیل‌دهنده کشور، در تبدیل ایران به کشوری توسعه‌یافته و دارای نقش اول منطقه‌ای و رقابت‌پذیر در عرصه‌های منطقه و جهانی نقش اساسی، تأثیرگذار و پیش‌تاز بازی خواهد کرد.

اسناد فرادستی شهر تهران، هم‌چون طرح مجموعه شهری، سند چشم‌انداز شهر و طرح جامع شهر تهران هم بر همین رویکرد و جهت‌گیری استراتژیک، قابل ردیابی و اشاره است.

در چنین صورتی مدیریت شهری تهران، هم‌بنا به الزامات ناشی از اسناد مصوب ملی و محلی، و هم‌بنا به ضرورت‌های ناشی از تحولات فراملی و روند جهانی شدن، نیازمند طراحی راهبرد و برنامه‌ای مدون برای پاسخ‌گویی به الزامات پیش‌رو، تحقق اهداف و تلاش کافی و وافی به مقصود اجرایی و عملیاتی کردن اهداف مندرج در اسناد مذکور است. لزوم ورود شهر تهران به عرصه رقابت‌های بین‌شهری و کلان‌شهری در مقیاس بین‌المللی را می‌توان یک الزام و

پیش فرض پذیرفته شده (در محافل سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی) به‌منظور توسعه و ارتقاء منزلت، ثروت، قدرت و جایگاه شهر تهران و نتیجتاً کشور ایران تلقی کرد. با پذیرش این پیش‌فرض، سؤال راهبردی به چگونگی، ملاحظات و پیامدهای ورود شهر تهران در فرآیندهای جهانی معطوف می‌شود. شهری را می‌توان جهانی تلقی کرد که حداقل این سه مأموریت را دارا باشد: ۱- مانند شهر نیویورک مأموریت سیاسی و دیپلماتیک داشته باشد ۲- مثل دبی مأموریت اقتصادی و تجاری داشته باشد ۳- همانند سایر کلان‌شهرها مأموریت فرهنگی را داشته باشد.

اقدام مهمی که باید انجام بدهیم و برنامه‌هایمان را در جهت جهانی شدن تهران، براساس آن تنظیم کنیم این است که به هدایت شهر تهران به‌صورت یک منظومه که ابعاد مختلف توسعه اقتصادی و تأمین حداقل‌ها برای شهروندان در آن تأمین شود نگاه کنیم. به‌عبارت دیگر رشد و توسعه تهران هم‌زمان با سایر شهرها باید اتفاق بیفتد. در بحث جهانی شدن، تهران اول باید شهر دانش‌پایه با شبکه هوشمند شود، محیط نوآوری داشته باشد و مشارکت مردم را هم داشته باشیم. زیرا بدون مشارکت معنی‌دار مردم در اداره شهر، اتفاق مهمی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شهر روی نخواهد داد. از این روست که تأکید مدام ما به بهره‌گیری از ظرفیت‌ها در ساختار، فضا و لایه‌های مختلف اجتماعی است تا از طریق آن شهرها توسعه‌ای هدفمند و همه‌جانبه را محقق کنند. تهران باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به درجه‌ای از رشد و بالندگی برسد تا بتواند نقش جهانی خود را به نحو شایسته‌ای ایفا نماید. خوشبختانه توانمندی اقتصادی تهران در سطح قابل قبولی قرار دارد و از حیث اجتماعی نیز شاهد پیشرفت‌های مناسبی در حوزه‌های آموزشی و مشارکت شهروندی هستیم. به همین سبب از نظر فرهنگی نیز الگوی تهران به‌عنوان شهری پیشرو در مقیاس ملی و فراملی، از شاخص‌های اصلی ورود تهران در عرصه جهانی است.

■ با عنایت به جهانی شدن اقتصاد، نقش شهرهای بزرگ در ایجاد توان رقابتی و مشارکت در تقسیم کار جهانی (با رویکرد رقابت پذیری شهری) را تشریح فرمائید.

رقابت معمولاً در سطح مؤسسه یا صنعت تعریف شده است. رقابت یک شهر، به مجموعه‌ای از عوامل بستگی دارد که شامل فرآیند حاکمیت، زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، کیفیت سرمایه انسانی و محیط طبیعی، محیط تجاری و قابلیت مؤسسات محلی است. در گذشته رقابت به شرکت‌ها و نهادهای تولیدی مربوط می‌شد یعنی در جهانی شدن معاصر و شبکه‌ای شدن اقتصاد جهانی، شهرها همواره به‌عنوان گره‌های اقتصاد شبکه‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. در حقیقت شهرها در متن اقتصاد جهانی قرار گرفتند و در تقسیم بین‌المللی کار و تولید در مقیاس جهانی به ایفای نقش پرداختند. آن‌ها هم‌چنین با استفاده از ابزار دیپلماسی شهری، به‌شدت در رقابت با یکدیگر قرار گرفتند تا بتوانند در فضای اقتصاد جهانی و در یک ساختار سلسله‌مراتبی جایگاه خود را ارتقاء داده و منافع سرشاری را برای شهروندان خود به ارمغان بیاورند.

باید بدانیم که هم‌اکنون نیز رقابت سختی بین شهرها برای ارتقاء وضعیت خود وجود دارد و در این رقابت دولت‌ها باید امنیت و تعهدات بین‌المللی را برای شهرهای خود که در متن اقتصاد شبکه‌ای قرار دارند فراهم آورند. بنابراین دولت‌ها همواره نقش مکمل و هدایتی شهرها را در رقابت آن‌ها با سایر شهرهای دیگر برعهده می‌گیرند. پیتیر تیلور^(۳) معتقد است که در برخی موارد که دولت‌ها نتوانستند کلان‌شهرهای خود را در این رقابت‌ها مورد حمایت قرار دهند، باعث تنزل جایگاه شهرهای آن‌ها در رقابت با سایر شهرهای دیگر شده است. به‌عنوان مثال مانیل^(۴) به جهت چالش‌های پیش روی کشور فیلیپین همواره از دهه ۱۹۸۰ تاکنون مراحل تنزلی را طی کرده است و برعکس کلان‌شهرهای کشور چین از همان زمان تاکنون در ساختار سلسله‌مراتب شبکه‌ای شهرها ارتقاء یافته‌اند و موقعیت برتر خود را (نظیر شانگهای) حفظ و توسعه بخشیدند.

در فضای جهانی شدن معاصر، شهرهای جهانی به‌عنوان قدرت‌های رقابتی جدید در متن اقتصاد جهانی، به‌شدت در حال فراز و فرود هستند. علاوه بر این، در فضای جهانی شدن معاصر میان کلان‌شهرها همکاری‌های تعاملی نیز وجود دارد. ولی این نوع همکاری‌ها نیز بیشتر در راستای رسیدن به سطوح بالای زندگی صورت می‌گیرد و مکمل رقابت‌های میان آن‌ها

می‌باشد به دلیل این که شاخص‌های زندگی وقتی در یک شهر بهبود می‌یابد، شهر قدرت عملکردی بیشتری در رقابت با سایرین می‌یابد؛ در این صورت دولت کلی نیز منفعت کرده و قدرت چانه‌زنی آن در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌یابد. به نظر ما تهران در چارچوب مزیت نسبی خود می‌تواند نقش سازنده‌ای را در ایجاد ثبات و فرصت برای عرصه‌های اقتصاد منطقه‌ای و جهانی فراهم آورد.

■ نقش کلان‌شهرها و بزرگ‌شهرها را در توسعه اقتصاد گردشگری شهری بیان نمائید.

در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که به‌رغم برخورداری تهران از ظرفیت‌های کم‌نظیر گردشگری شهری، تاکنون منابع اندکی برای شناسایی این ظرفیت‌ها منتشر شده است. البته شهرداری تهران ویژه‌نامه‌ای را تحت‌عنوان «اقتصاد گردشگری شهری» به چاپ رسانده که حاوی نکات ارزنده‌ای در باب شناخت این ظرفیت‌هاست. اما انتظار ما از سایر دستگاه‌ها اعم از مراکز دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی اهتمام به توسعه این مفهوم بالنده شهری است. تأکید ما به انجام پژوهش عمیق در شناخت و طبقه‌بندی جاذبه‌های تاریخی و گردشگری شهر تهران است تا از این طریق فرصت‌های توسعه برای شهروندان را مضاعف کنیم. از این روست که انتظار داریم پژوهشگران و صاحب‌نظران ارجمند به این امر مهم عنایت نمایند تا ارزش‌های تاریخی و سایر جاذبه‌های گردشگری شهروندان را به جهانیان بشناسانیم تا فرصت رشد و توسعه شهر را مضاعف کنیم.

صنعت گردشگری و گروه صنایع وابسته به آن، امروزه در جهان و مخصوصاً در کشورهای صنعتی دارای اهمیت ویژه‌ای است. به نظر برخی متخصصین، گردش مالی صنعت گردشگری جهان، از گردش مالی صنایع مهمی چون نفت و خودروسازی فراتر رفته است.

در این میان گردشگری شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شهر، پایه و اساس توسعه گردشگری است. ایجاد و توسعه فضای شهری مناسب، بازسازی فضاهای ظاهراً متروک و مرده به منظور احیاء جنبه‌های کهن جامعه از جمله آثار توسعه گردشگری شهری است. شهرهای زیادی را می‌توانم نام ببرم که با بهره‌گیری از ویژگی‌ها و امکانات خود توانسته‌اند موقعیت جذب گردشگر خود را ارتقاء داده و از این رهگذر منفعت زیادی ببرند.

امروزه سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری کلان‌شهرهای مطرح دنیا، به امری بدیهی و زیربنایی تبدیل شده است. کلان‌شهرها با ایجاد فضاهای شهری قوی، بر اساس فعالیت‌های جدید و تأکید بر توسعه فعالیت‌های گردشگری و ایجاد جاذبه‌های بیشتر برای ماندگاری همراه با توسعه هسته‌های کار و فعالیت، به طرح ایده‌های برتر در امر گردشگری شهری می‌پردازند. در چنین حالتی باید بدانیم که توسعه موزون شهری توأم با پیوند مناسب فضاهای کار و فعالیت به وجود می‌آید. کلان‌شهرها با گسترش فضاهای باز جمعی و ایجاد مراکز فراغتی به‌ویژه فضاهای گردشگری، به یکی از اهداف برنامه‌ریزی فراغت تبدیل شده‌اند که علاوه بر تأمین اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی، نقش مؤثری در تعادل‌بخشی به گذران فراغت و تأمین سلامت جسمی و روانی جوامع دارد. در این زمینه می‌توان بوستان ولایت را به‌عنوان مثالی زنده از توجه مدیریت شهر تهران به توسعه همه‌جانبه شهر، از طریق ساماندهی فضاهای نسبتاً متروکه و تبدیل آن به بوستانی فرح‌بخش مورد اشاره قرار داد. بنابراین گردشگری در میان فعالیت‌های فراغتی، از بیشترین تنوع و تحرک از یک سو و وسیع‌ترین پهنه مکانی و فضایی از سوی دیگر برخوردار است. شاید بتوان گفت که گردشگری شهری به‌گونه‌ای تمام فعالیت‌های فراغتی دیگر را با خود همراه دارد و بدین سبب برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری توسط کلان‌شهرها، از امور حساس و پیچیده و چندوجهی است که توجه ویژه مدیران شهری را می‌طلبد. آرزوی من تبدیل شهر تهران، به سکوی پیشرفت ایران اسلامی است که در دهه پیشرفت و عدالت باید بر آن اهتمام داشته باشیم.

* دکتری جغرافیای سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

1-Martin Albrow

2-John R. Short

3-Peter Taylor

4-Manil

پی‌نوشت:



سرمقاله

Editorial



جهاد اقتصادی، همواره و در هر زمان به عنوان وظیفه‌ای ملی بایستی مورد عنایت ویژه باشد.

با توجه به مقدس دانستن رفاه جامعه در مدیریت اسلامی، تلاش مدیریت شهری برای نیل به آرامش و آسایش شهروندان در شهرها که به عنوان مقیاس کوچک‌تری از کل جامعه اسلامی هستند، باید از اهداف والای جامعه باشد. ارائه خدمات و ایجاد نوسازی زیرساخت‌های شهری، خدمات اجتماعی، فرهنگی و شهری، در گرو مهندسی مالی مناسب می باشد. از طرفی هدف‌گذاری صحیح و همکاری و همیاری بخش‌های مختلف شهرداری، بهره گرفتن از دانش روز، توجه به نقاط ضعف و قوت ساختارهای مالی و اداری موجود شهرداری‌ها از موفقیت‌های مدیریت شهری است.

با توجه به امکان استقرار بنگاه‌های مالی و اقتصادی، تولیدی، خدماتی و تأثیر عمیق بر جذب سرمایه، تولید و اشتغال، بهبود بهره‌وری عمومی، جذب نیروی کار و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در صورت مهیاتر بودن محیط شهرهای هر کشور برای تولید و ایجاد اشتغال، فرآیندهای اقتصادی با سهولت بیشتری در این نقاط رخ داده و معضلات مختلف ناشی از بیکاری، از جامعه شهری و به دنبال آن از کل کشور، رخت بر خواهد بست. بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی، با انتخاب مکان‌هایی برای استقرار، شرایط کیفی و خدمات بهتری را ارائه می‌کنند. در نتیجه نقش مدیریت شهری در جهاد اقتصادی نقشی اساسی و بی‌بدیل است که به تبع آن مدیران شهری در سال جاری نقش مضاعفی در بهبود شرایط مالی و اقتصادی جامعه برعهده خواهند داشت.

ارائه خدمات شهری به شهروندان، وابسته به برخورداری از منابع مالی و مدیریت بهینه اقتصاد شهر است. در سال‌های اخیر، شهرداری تهران با درک وضعیت و اهمیت توجه به منابع مالی کافی، پایدار و مناسب، تحولات جهادی متعددی را در ساختار مالی و اداری خود مدنظر قرار داده است. هدف از ایجاد این تحولات، تقویت بنیه مالی شهرداری به‌منظور ارائه هر چه بهتر خدمات و تأمین زیرساخت‌های شهری، کاهش اتکاء به منابع ناپایدار درآمدی، ارتقاء دانش فنی کارشناسان بدنه سازمان، کاهش بار هزینه‌ای شهرداری، استفاده بهینه از منابع محدودی که در اختیار شهرداری است، ایجاد شفافیت در فرآیندهای مالی از جمله درآمدها، هزینه‌ها و بودجه، افزایش قابلیت حسابرسی به‌منظور کاهش آسیب‌های ناشی از عدم امکان نظارت و ایجاد تحول جدی در نظام بودجه‌ریزی با حرکت به سمت بودجه‌ریزی عملیاتی، بوده است.

شهرداری پایتخت، در حوزه مالیه شهری تجارب شایان توجهی کسب کرده و الهام‌بخش سایر شهرداری‌های کشور است، به دلیل این که بسیاری از اقدامات یاد شده، برای اولین بار در سطح کشور به اجرا درآمده و مسلماً اجرای آن‌ها هر چند با فراز و نشیب‌هایی مواجه شده ولی موفقیت بزرگی برای جامعه مالیه شهری کشور و شهرداری تهران محسوب